

رفتار نحوی افعال اصطلاحی در زبان فارسی: رویکردی شناختی

شادی داوری^۱

محسن قاسمی^۲

چکیده

بر اساس هادلستون^۳ و پولام^۴ (۲۰۰۲:۲۷۳)، اصطلاحات، آن دسته از واحدهای زبانی را در بر می‌گیرند که هویتی بزرگتر از یک واژه دارند و معنای آن از مجموع معانی که اجزای تشکیل‌دهنده‌شان در صورت کاربرد تنها با خود حمل می‌کنند حاصل نمی‌شود. در پیشینه مطالعات، ثبات رفتار نحوی و عدم امکان ایجاد صورت‌های متفاوت نحوی از ویژگی‌های اصطلاحات معرفی شده‌است. با این وجود در برخی از مطالعات زبان‌شناختی زایایی نحوی اصطلاحات، موضعی مدرج فرض می‌شود و این سازه‌های زبانی بر مبنای ویژگی‌های منحصر به فرد معنایی خود، درجات متفاوتی از تغییر رفتار نحوی را بدون تغییر در معنای اصطلاحی خود به نمایش می‌گذارند. در این مقاله سعی بر آن است تا بر اساس آراء گیبس^۵ و نایاک^۶ (۱۹۸۹) زایایی نحوی افعال اصطلاحی زبان فارسی واکاوی و نشان داده شود که چگونه برخی از گروه‌های فعلی اصطلاحی این زبان علیرغم تغییرات نحوی، معنای اصطلاحی خود را حفظ نموده است درحالی که برخی دیگر بدون تغییر معنایی دستخوش تغییر نحوی نمی‌شوند. همچنین قصد بر این است تا آن دسته از تغییرات نحوی که بیشترین و کمترین تأثیر را بر معنای اصطلاحی این گروه‌های فعلی دارند مشخص شود. بدین منظور، افعال اصطلاحی از منظر زبان‌شناسی شناختی و بر اساس تغییر رفتارهای نحوی (مانند درج قید و صفت، تبدیل افعال اصطلاحی به عبارتهای اسمی و نیز فرآیند مجهول‌سازی) بررسی می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آن دسته از افعال اصطلاحی که مولفه‌های سازنده آن تا حد زیادی به درک معنای اصطلاحی آنها کمک می‌کنند (خودآشکارسازها) در تغییرات نحوی دچار تغییرات معنایی نمی‌شوند، درحالی که دسته دیگر افعال اصطلاحی که میان معنای اصطلاحی و اجزای سازنده آن ارتباط یک به یک برقرار نیست (غیرخودآشکارسازها) از زایایی نحوی برخوردار نیستند و در خلال تغییرات نحوی، تغییرات معنایی گسترده‌ای را تجربه می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، افعال اصطلاحی، خود آشکارساز، غیرخودآشکارساز

^۱-دکتری زبان‌شناسی، sh50d@yahoo.com

^۲- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود، ایران

mohsenqassemi@yahoo.com

^۳- Huddleston

^۴- Pullum

^۵- Gibbs, R. W.

^۶- Nayak, N.P.

۱- مقدمه

زبان‌شناسان، تعاریف متفاوتی از عبارات و یا افعال اصطلاحی ارائه نموده‌اند. واکچووا^۱ (۲۰۰۵) اصطلاح را عبارتی قلمداد می‌کند که حاوی یک کلمه یا بیشتر است و معنای آن با مجموع معنای اجزای تشکیل دهنده تفاوت دارد. از منظر نانبرگ^۲ و دیگران (۱۹۹۴) اصطلاحات، مقولات تیره‌ای‌اند که معنای شفاف آن را نمی‌توان از طریق مولفه‌های آن درک کرد، بلکه معنای مجموع اجزای سازنده آنها ارتباط مستقیمی با معنای کنایه‌ای دارد که به نمایش گذارده می‌شود. مون^۳ (۱۹۹۸) نیز که تعریفی مشابه نانبرگ ارائه می‌دهد، عبارات‌های اصطلاحی را دسته‌ای از عبارات‌ها برمی‌شمارد که به لحاظ معنایی تیره و استعاری‌اند. با این حال برخی از زبان‌شناسان از اصطلاح به عنوان ترکیبی غیرعادی از عناصر زبان یاد می‌کنند که معمولاً به لحاظ ساختاری معیوب است (بیلکوا^۴ و فیلیپک^۵ ۱۹۹۸؛ بیلکوا، ۲۰۰۰). به باور لاول^۶ (۲۰۰۳)، (۲۰۰۳) عبارتی را که در آن، میان آنچه گفته می‌شود و آنچه مدنظر است، تفاوت وجود داشته باشد باید اصطلاح نامید، با این وجود از دیدگاه برخی دیگر از زبان‌شناسان اصطلاح عباراتی است که معنی مجازی آن با معنی اجزای تشکیل دهنده آن تفاوت دارد (لیبن^۷ و تیتون^۸، ۲۰۰۸؛ گیسیس، نایاک و کاتینگ^۹، ۱۹۸۹؛ کاکسیاری^{۱۰} و گلاکزبرگ^{۱۱}، ۱۹۹۱؛ نانبرگ، ۱۹۷۸ و تیتون و کانین^{۱۲}، ۱۹۹۹).

علیرغم پژوهش‌های گسترده‌ای که در حوزه معناشناسی اصطلاحات به انجام رسیده‌است، مطالعه تغییر در رفتارهای نحوی این عناصر زبانی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین مطالعات در این حوزه، مقاله گیسیس و نایاک (۱۹۸۹) است که با تمرکز بر سه معیار نحوی یعنی درج صفت و قید و فرآیندهای مجهول‌سازی و اسم‌سازی، معماری نحوی ساخت‌های اصطلاحی در زبان انگلیسی را مورد واکاوی قرار داد و از این رهگذر نشان داده است که حضور برخی تغییرات نحوی با حفظ معنای اصطلاحی ساخت‌ها امکان‌پذیر است. در پژوهش گیسیس و نایاک (۱۹۸۹)، ابتدا اصطلاحات به دو دسته اصطلاحات خود آشکارساز^{۱۳} یعنی اصطلاحاتی که معنای کنایه‌ای آن از طریق مؤلفه‌های سازنده آن قابل تشخیص است و اصطلاحات غیرخود آشکارساز^{۱۴} یا اصطلاحاتی که نمی‌توان با توجه به اجزای

¹ - Vokacova, J.

² - Nunberg, G.

³ - Moon, R.

⁴ - Billkova, I.

⁵ - Filipec, J.

⁶ - Laval, V.

⁷ - Libben, M.R.

⁸ - Titone, D.A.

⁹ - Cutting, J.C.

¹⁰ - Cacciari, C.

¹¹ - Glucksberg, S.

¹² - Connine, C.

¹³ - compassable

¹⁴ - decompassable

سازنده آن معنای کنایه‌ای آن را دریافت، تقسیم شده و سپس آزمون تغییرات نحوی بر هر یک از دو دسته به طور جداگانه به انجام رسیده و نتایج مورد تحلیل قرار گرفته است.

بر همین اساس و پیرو پژوهش گیسیس و نایاک (۱۹۸۹)، در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا افعال اصطلاحی زبان فارسی از منظر زبان‌شناسی‌شناختی و بر مبنای تاثیر تغییر رفتار ساختاری بر عملکرد معنایی این ساخت‌ها بررسی شود. در واقع در این مقاله پس از تقسیم‌بندی دوگانه افعال اصطلاحی زبان فارسی بر مبنای معیار خودآشکارسازی یا ترکیب‌پذیری معنایی به دو دسته خودآشکارساز و غیرخودآشکارساز و اعمال تغییرات نحوی بر هر دو دسته، به سوالات زیر پاسخ داده می‌شود:

۱- آیا معنای افعال اصطلاحی در خلال تغییر رفتارهای نحوی ساخت (شامل درج صفت و قید و فرآیندهای مجهول‌سازی، اسم‌سازی و جانشینی ضمیر به جای هسته اسمی)، دستخوش تغییر می‌شود یا ثابت باقی می‌ماند؟

۲- در صورت تغییر معنای اصطلاحی، کدام دسته از افعال اصطلاحی در زبان فارسی (خود آشکارسازها و یا غیر خود آشکارسازها) به هنگام تغییر رفتار نحوی، تغییرات معنایی کمتری را تجربه می‌کنند؟

روش انجام این پژوهش، میدانی و بر اساس پرسشنامه توزیع‌شده در میان ۹۰ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد بوده است. بدین منظور از دانشجویان مذکور خواسته شد که ابتدا ساخت‌های اصطلاحی را بر اساس شم زبانی خود به دو دسته خودآشکارساز و غیرخودآشکارساز تقسیم نمایند و سپس اصطلاحات هر دسته را برای آزمون‌های بعدی مورد استفاده قرار دهند. دلیل انتخاب دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در این پژوهش این بود که یکی از پژوهشگران پژوهش حاضر، بومی شهر مشهد بوده و دسترسی آسان‌تری به دانشجویان این دانشگاه داشته است. دانشجویان مذکور همه بومی فارسی و یا به اصطلاح فارسی زبان بوده و با اکثر اصطلاحات در محیط‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی برخورد داشته‌اند.

نکته‌ای که در اینجا ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد آن است که انتخاب ساخت‌های اصطلاحی در پژوهش حاضر تنها به ساخت «افعال اصطلاحی» محدود و از بررسی عبارات اصطلاحی فاقد فعل (مانند آفتاب لب بام) و یا ضرب‌المثل‌ها که از ساخت ثابت نحوی برخوردارند (مانند چوب خدا صدا ندارد) چشم‌پوشی شده است. بر اساس تحقیق طبیب‌زاده (۱۳۷۳) افعال اصطلاحی در این پژوهش، افعالی در نظر گرفته شده‌اند که (۱) از نظر نقشی، به عنوان یک کل واحد با مقوله فعل در جمله عمل می‌کنند (۲) از نظر ساختی، اولاً از بیش از دو کلمه تشکیل شده‌اند و دوم دارای عناصر مشخص نحوی و ساخت‌های معینی هستند و (۳) از نظر معنایی نه تنها یک کلیت معنایی پدید می‌آورند بدین مفهوم که از معنای تک تک عناصر آن نمی‌توان پی به معنای کل آن برد بلکه دارای معنایی مجازی^۱، اصطلاحی و غیرصریح است. این بدین معنی است که در معنای یک فعل اصطلاحی، مفهوم صریح هیچ یک از اجزا مدنظر نیست و یا به ذهن شنونده متبادر نمی‌گردد. برای مثال فعل اصطلاحی «گل کاشتن» که معنای کل آن «کاشتن گل» نیست و معنای هیچ یک از اجزای تشکیل دهنده آن یعنی «گل» و «کاشتن» در تکوین

^۱ - figurative

معنای اصطلاحی آن یعنی «انجام یک امر درخشان» نقشی ندارند. از این رو افعال مرکب دو جزئی که حداقل معنای یکی از اجزای تشکیل دهنده‌شان در معنای کل فعل مرکب به ذهن متبادر می‌گردد (مانند افعال مرکب زمین خوردن، درد کشیدن، تلفن زدن و جز آن) از مجموع داده‌های این پژوهش کنارگذاشته شده‌اند.

۲- پیشینه پژوهش

مقوله افعال اصطلاحی یا آنچه دکتر خانلری (۱۳۶۶) به آن عبارت فعلی اطلاق می‌کند به دلیل ساختار ویژه و منحصر به فرد و نیز بسامد بالا، همواره به عنوان مقوله‌ای چالش برانگیز برای پژوهشگران زبان و زبان‌شناسی مطرح بوده است. در چند دهه گذشته تعاریف و دیدگاه‌های مختلفی در خصوص تعریف مقوله فعل اصطلاحی و همچنین تفاوت‌ها و شباهت‌های میان افعال اصطلاحی در زبان فارسی ارائه شده است.

در این راستا دست‌نویسان فارسی، افعال اصطلاحی را به طرق مختلفی تعریف و دسته‌بندی کرده‌اند. با این وجود نه تنها مرز مشخصی میان افعال مرکب و افعال اصطلاحی ترسیم نکرده و در بسیاری از موارد از عنوان «فعل مرکب» برای اشاره به کلیه ساختارهای فعلی بیش از یک واژه استفاده نموده‌اند بلکه امکان تغییر رفتارهای نحوی این ساختارها را نیز مورد مطالعه قرار نداده‌اند. طبیب زاده (۱۳۷۳) تحلیل خود را بر مبنای تحلیل خانلری گذاشته است، اما چند نکته متفاوت در تحلیل او نسبت به تحلیل خانلری وجود دارد (۱) زنجیره «اسم یا صفت + کردن» در صورتی که به ساخت ربطی تبدیل شود (اسم یا صفت + بودن)، فعل مرکب نیست (۲) در برخی موارد «اسم/صفت + فعل ربطی» یک بند متممی می‌گیرد. در این صورت باید این زنجیره را فعل ربطی مرکب به شمار آورد مانند آگاه بودن، منکر بودن، باعث شدن، امید بودن (۳) گاهی زنجیره «اسم/صفت + کردن/شدن» معنای اصطلاحی دارد و در این صورت فعل مرکب است مانند زرد کردن، باریک شدن. وی برای دسته‌بندی افعال اصطلاحی، واژگان زبان را در کل به دو بخش «لغت» و «کنایه» تقسیم بندی می‌کند و بعد این واژگان را از منظر معنایی و نحوی و هویت دستوری جدا می‌سازد (طبیب زاده، ۱۳۷۳). در تقسیم بندی افعال، طبیب زاده افعال گروهی را از نظر ساختی به دو دسته مرکب و اصطلاحی تقسیم می‌کند (طبیب زاده، ۱۳۷۳). او در ادامه این تقسیم بندی افعال مرکب را از نظر معنایی نیز به دو دسته کنایه و لغت تقسیم بندی می‌کند و بیان می‌دارد افعال اصطلاحی کلاً در دسته کنایه قرار می‌گیرند. طباطبایی (۱۳۸۴) در مقاله فعل مرکب در زبان فارسی به مقوله دسته بندی افعال مرکب و تفاوت‌های آن با افعال ساده اشاره می‌کند و در نهایت سه معیار برای تشخیص فعل مرکب از انواع دیگر فعل‌ها ارائه می‌دهد. او معیار نخست را بر این مینا می‌گذارد که در گروه فعلی معنای کل فعل از ترکیب قسمت اول (اسم، صفت یا قید) و قسمت دوم (فعل بسیط) به دست می‌آید، لذا در گروه فعلی «معنای فعل سرجمع معنای اجزای سازنده‌اش است» (طباطبایی، ۱۳۸۴). به اعتقاد وی در فعل‌های مرکب بار معنایی بیشتر بر دوش «همراه (قسمت غیرفعلی فعل مرکب)» است و نه «همکرد (قسمت فعلی)»؛ چرا که در چنین ترکیباتی «همکرد» از معنای اصلی

خود خارج می‌شود. او همچنین بیان می‌دارد که در گروه فعلی، فعل مورد نظر معنای «کاملاً مشخص و غیراستعاره‌ای» دارد (همان).

معیار دوم طباطبائی (۱۳۸۴) بر این اساس است که اگر در ساختمان فعل مرکب متشکل از یک اسم، قید، صفت و فعل متعددی نیاز به یک «مفعول رائی» باشد، ترکیب مد نظر فعل مرکب است و نه گروه فعلی؛ برای مثال جمله «اتاق را جارو کردم» را در نظر بگیرید. در این جمله نمی‌توان ادعا کرد که «جارو» مفعول بی نشانه فعل «کردن» است زیرا بر مبنای آنچه طباطبائی بیان می‌کند مفعول بی نشانه و مفعول رائی را نمی‌توان با هم در یک جمله استفاده کرد (همان). معیار سوم طباطبائی برای تشخیص فعل مرکب از گروه فعلی «تغییر مقوله از فعل متعددی به فعل لازم است» (همان). بدین معنا که اگر در ترکیب «همراه» و «همکرد» از یک اسم و یک فعل متعددی استفاده شده باشد و این ترکیب در کل به مفعولی احتیاج نداشته باشد ترکیب حاصله فعل مرکب است.

در زبان انگلیسی نیز برای مدت‌های مدید فرض بر این بوده است که اصطلاحات ترکیب‌ناپذیر هستند یا به عبارتی معنای آنها با توجه به مولفه‌های سازنده‌شان تعیین نمی‌شوند (فریزر^۱، ۱۹۷۰، کتز^۲ ۱۹۷۳، هرینگر^۳ ۱۹۷۶، چامسکی^۴ ۱۹۸۵، ۱۹۸۰). در این دیدگاه از زبان‌شناسی اذعان می‌شود که معنای استعاره‌ای عبارت‌های اصطلاحی مستقیماً از واژگان ذهنی کاربر زبانی و به مانند دیگر واژگان فهرست شده در فرهنگ لغت، نشأت می‌گیرند. از این رو، طبق تعاریف فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که اصطلاحات با دیگر مقولات زبانی از این منظر متفاوت است که نمی‌توان میان مولفه‌های سازنده آن و معنای کلی اصطلاح ارتباطی برقرار کرد. با این وجود، برخی از زبان‌شناسان (از جمله کلارک و کلارک، ۱۹۷۷، گیسیس و نایاک، ۱۹۸۹؛ گیسیس، نایاک، بولتون و کیل، ۱۹۸۹؛ گیسیس، نایاک و کاتینگ، ۱۹۸۹، نانبرگ، ساگ و واسو، ۱۹۹۴، هامبلین^۵ و گیسیس ۱۹۹۹؛ تیتون و کانین، ۱۹۹۹) این دیدگاه را زیر سوال بردند و در حمایت از این انتقاد استدلال می‌آورند که این دیدگاه سنتی نمی‌تواند دلیل بیاورد که چرا برخی اصطلاحات زایاتراند و برخی دیگر از چنین ویژگی برخوردار نیستند. به عبارت دیگر منظور از زایا بودن در اینجا ظرفیت افعال اصطلاحی در مواجهه با تغییرات نحوی است که بر آنها اعمال می‌شود. بدین معنا که در هنگام درج قید و صفت به این افعال یا در هنگام مجهول کردن و یا اسم‌سازی تا چه اندازه می‌توانند معنای کنایه‌ای خود را حفظ نمایند.

ماهر (۲۰۱۳) در پژوهش خود، ابتدا به بررسی گروهی از اصطلاحات (شامل اصطلاحات بخش پذیر و بخش ناپذیر) با تنوعات نحوی و ساختاری می‌پردازد و سپس اصطلاحات مذکور را به طور جداگانه با اعمال سه تغییر نحوی (درج صفت، دو نوع جایگزینی کلمه، مجهول سازی) مورد کنکاش قرار می‌دهد.

1- Fraser, B.

2- Katz, J.

3- Heringer, J.

4- Chomsky, N.

5- Hamblin, J.L.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دانش قبلی سخنوران یک زبان تأثیری بر پذیرش و موجه دانستن تغییرات اعمال شده بر ساخت‌های اصطلاحی نمی‌گذارد.

در همین راستا محققان و نظریه‌پردازان زبان‌شناسی شناختی نیز در زبان انگلیسی به بررسی دیدگاه‌های مختلف زبان‌شناسی در خصوص اصطلاحات زبان انگلیسی پرداخته‌اند و طیف وسیعی از پژوهش‌ها و مطالعات را در این زمینه انجام داده‌اند. در این میان می‌توان به ریموند و همکاران (۱۹۸۹) اشاره نمود که در مطالعه خود به نقش تحلیل پذیری یا تجزیه معنایی در پردازش اصطلاح اشاره می‌کنند و در سه آزمایش جداگانه این فرآیندها را مورد واکاوی قرار می‌دهند. آنها در روند آزمایشات مذکور نشان می‌دهند که اصطلاحات ترکیب ناپذیر^۱ (یا غیرخودآشکارساز یعنی اصطلاحاتی که نمی‌توان از روی مولفه‌های تشکیل دهنده آن به معنای استعاره‌ای آن پی برد) آهسته‌تر از اصطلاحات ترکیب‌پذیر^۲ (یا خودآشکارساز یعنی اصطلاحاتی که می‌توان از روی مولفه‌های تشکیل دهنده آن به معنای استعاره‌ای آن پی برد) پردازش می‌شوند و نیز از روش ترکیب‌بندی مشابه زبان ادبی برخوردارند. با این حال، یافته‌های این پژوهش حاکی از این حقیقت است که گویشوران، برای درک این عبارات اصطلاحی، لزوماً معانی تحت-اللفظی اصطلاحات را تجزیه و تحلیل نمی‌کنند بلکه بسیار ناخودآگاه و در اثر بسامد بالای کاربرد به معنای مجازی آنها پی می‌برند. با توجه به مجموعه مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است می‌توان ادعان داشت که افعال اصطلاحی در زبان انگلیسی دارای دسته بندی مشخص و معینی است.

۳- چارچوب پژوهش

هدف از پژوهش گیبس و نایاک (۱۹۸۹) بررسی این نکته بود که زیایی افعال اصطلاحی به طور خاص مرتبط با مولفه‌های سازنده آن است. آنها نشان دادند که افعال اصطلاحی خودآشکارساز نسبت به افعال اصطلاحی غیرخودآشکارساز زیاتر هستند. بدین معنا که می‌توان تغییرات نحوی مانند درج قید و صفت و مجهول‌سازی و اسم‌سازی را تا حدودی بدون تغییر معنا بر افعال اصطلاحی خود آشکارساز اعمال نمود. آنها با انجام چندین آزمایش دریافتند که برخی تغییرات نحوی از جمله درج قید و مجهول‌سازی بیشترین تأثیر و درج صفت و اسم‌سازی کمترین تأثیر را بر تغییر رفتار نحوی افعال اصطلاحی می‌گذارد. در پژوهش اول آنها از اصطلاحات خودآشکارساز و غیرخودآشکارساز که قبلاً توسط بوتنر^۳، گتس^۴ و مککای^۵ به عنوان افعال خودآشکارساز و غیرخودآشکارساز مشخص شده بودند استفاده کردند. در آزمایش دوم نیز از افعال اصطلاحی آزمایش اول استفاده کردند تا زیایی افعال اصطلاحی خودآشکارساز و غیرخودآشکارساز را با درج قید، صفت، مجهول‌سازی و اسم‌سازی بررسی نمایند. به منظور انجام این کار چند نمونه از افعال اصطلاحی خودآشکارساز و غیرخودآشکارساز را در جملاتی به کار بردند و تغییرات

^۱- Non-decomposable

^۲- compassable

^۳- Boatner

^۴- Gates

^۵- Makkai

نحوی که در بالا ذکر شد را بر این افعال اصطلاحی در جملات اعمال کردند. در آزمایش سوم نیز به همین ترتیب تغییر رفتار نحوی را با جایگزینی ضمیر به جای هسته اسمی آن بررسی کردند. بر این اساس در این مقاله برآنیم تا با الگوبرداری از آراء و روش پژوهش و آزمون سازی گیبس و نایاک (۱۹۸۹) افعال اصطلاحی زبان فارسی را پس از تقسیم به دو گروه خودآشکارساز و غیرخودآشکارساز به لحاظ رفتارهای نحوی مورد واکاوی قرار دهیم و دریابیم تا چه اندازه افعال اصطلاحی هر دو دسته در راستای تغییرات نحوی دستخوش اختلالات معنایی می‌شوند.

۴- روش انجام پژوهش

در این مقاله به منظور تعیین ارتباط میان تغییر رفتارهای نحوی افعال اصطلاحی زبان فارسی و معنای اصطلاحی این افعال از منظر زبان‌شناسی‌شناختی و بر اساس آراء گیبس و نایاک (۱۹۸۹) سه آزمون انجام گرفت. برای انجام این آزمون‌ها ابتدا از میان ۵۰۰۰ فعل اصطلاحی برگرفته از نجفی (۱۳۷۸)، شکورزاده (۱۳۷۲)، ۱۰۰ اصطلاح به طور تصادفی انتخاب شد (منظور از تصادفی در این پژوهش، اشاره به این نکته است که هیچ معیار از قبل تعیین شده‌ای از قبیل نوع واژگان، بسامد کاربرد یا حوزه معنایی مشخصی مد نظر پژوهشگران نبود)، سپس برای دسته‌بندی اصطلاحات به دو دسته خودآشکارساز و غیرخودآشکارساز، آنها را در قالب پرسشنامه‌ای حاوی ۱۰۰ فعل اصطلاحی به شرکت‌کنندگان در آزمون ارائه شد تا بر اساس شم زبانی خود تعیین کنند کدام یک از اصطلاحات در دسته خودآشکارساز و کدام یک در دسته غیرخودآشکارساز قرار می‌گیرند.

پس از بررسی و دسته‌بندی اصطلاحات، آنها را در سه آزمون دیگر نیز مورد استفاده قرار دادیم که به تفصیل در ادامه درباره آنها بحث خواهیم کرد. لازم به ذکر است که معنای اصطلاحی و کنایه‌ای این افعال اصطلاحی نیز از نجفی (۱۳۷۸) و شکورزاده (۱۳۷۲) اخذ گردید. برای افزایش دقت پژوهش، در آزمون‌های ۲ و ۳، از دانشجویان خواسته شد تا دو جمله‌ای را که در یکی از آنها خود فعل اصطلاحی و در دیگری معنای کنایه‌ای آن مورد استفاده قرار گرفته بود به دقت بخوانند و سپس تصمیم بگیرند که تا چه اندازه تغییرات نحوی اعمال شده در هر مرحله از آزمون بر معنای اصطلاحی آنها تاثیرگذار بوده است. به همین منظور از آنها درخواست گردید که اگر معنای فعل اصطلاحی با تغییر رفتار نحوی دچار کمترین و یا بیشترین تغییرات شده است، به ترتیب نمره‌ای بین ۰ تا ۷ را برای هر فعل اصطلاحی در نظر بگیرند. از آنجا که مطالعه گیبس و نایاک (۱۹۹۸) چارچوب پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، لذا کلیه مراحل آزمون مشابه روش آنان به انجام رسیده است.

۴-۱- آزمون شماره یک

آزمون شماره یک به منظور بررسی تقسیم بندی افعال اصطلاحی به دو دسته افعال اصطلاحی خود آشکار ساز و افعال اصطلاحی غیر خود آشکار ساز طراحی و اجرا گردید که در آن مشخص شد که افعال اصطلاحی در زبان فارسی نیز دارای دسته بندی خودآشکار ساز و غیر خودآشکار ساز است.

۴-۱-۱- شرکت‌کنندگان

در این آزمون ۹۰ دانشجوی مقطع کارشناسی از دانشگاه فردوسی مشهد پس از شرکت در فراخوان و دارا بودن شرایط، پرسش‌نامه‌ها را تکمیل و در پژوهش شرکت نمودند. همه این افراد، فارسی زبانان بومی و از میانگین سنی ۲۳ تا ۳۳ سال برخوردار بودند. به لحاظ جنسیت، ۳۰ درصد از شرکت‌کنندگان، زن و ۷۰ درصد مرد بودند.

۴-۱-۲- شیوه اجرای آزمون

برای انجام نخستین آزمون، نگارندگان، صد فعل اصطلاحی را که به طور تصادفی از میان ۵۰۰۰ فعل اصطلاحی انتخاب شده بودند، در قالب پرسشنامه‌ای به شرکت‌کنندگان ارائه کردند و از آنها خواستند تا از طریق شم زبانی تصمیم بگیرند که آیا اجزای سازنده هر فعل اصطلاحی سهم مشخص و منحصر به فردی در آشکارسازی معنای اصطلاحی فعل مزبور دارد یا خیر. بدین منظور از افراد خواسته شد تا افعال اصطلاحی را به دو دسته آشکارساز و غیر آشکارساز تقسیم نمایند. در این راستا و پیش از ارائه افعال مورد بررسی، افعال اصطلاحی خودآشکارساز به عنوان افعالی که کلمات سازنده آن به طور مستقیم با معنای اصطلاحی گروه فعلی ارتباط برقرار می‌کند و افعال اصطلاحی غیر خودآشکارساز به عنوان افعالی که ترکیب معنای اجزای سازنده آن در معنای اصطلاحی گروه فعلی است، برای شرکت‌کنندگان در آزمون تشریح شد. در جدول شماره یک و دو نتایج حاصل از این آزمون به نمایش گذاشته شده است.

اصطلاح	معادل معنایی
۱. آتش کسی تند بودن	سر سخت و متعصب بودن
۲. به دست گرفتن	مشغول شدن
۳. جای سوزن انداختن نبودن	شلوغ بودن
۴. روی خوش به کسی نشان ندادن	با کسی خوب رفتار نکردن
۵. پول خود را توی چاه ریختن	پول خود را هدر دادن
۶. لگد به بخت خود زدن	ضرر به مصالح خود زدن
۷. لقمه گنده تر از دهان خود برداشتن	هدفی بالاتر از توانایی خود برداشتن
۸. جنس کسی خراب بودن	سرشت و ماهیت کسی بد بودن
۹. به تور کسی خوردن	به چنگ کسی افتادن
۱۰. به یک فوت بند بودن	سست پایه بودن
۱۱. زهره کسی آب شدن	ترسیدن
۱۲. آب از لب و لوچه کسی راه افتادن	شیفته چیزی/کسی شدن
۱۳. دست کسی بودن	به اختیار کسی بودن
۱۴. دست از پا خطا نکردن	دچار اشتباه نشدن
۱۵. سگ شدن	عصبانی شدن

۱۶. زیر دست کسی کار کردن	به فرمان کسی کار کردن
۱۷. به پای کسی افتادن	به کسی التماس کردن
۱۸. از پا در آوردن	کشتن
۱۹. خروس بی محل بودن	مزاحم بودن
۲۰. حرف خود را پس گرفتن	از موضع خود عقب نشستن
جدول ۱- افعال اصطلاحی خود آشکار ساز	

اصطلاح	معادل معنایی
۱. آتش زیر خاکستر بودن	خطر بالقوه بودن
۲. آب غوره گرفتن	گریه کردن
۳. آب و تاب دادن	با هیجان چیزی را تعریف کردن
۴. دسته گل به آب دادن	خراب کاری کردن
۵. از همه جا برای کسی باریدن	به یکباره دچار مصیبت و گرفتاری شدن
۶. حرف درآوردن	شایعه ساختن
۷. خاک جایی را تیره کردن	جایی را غارت کردن
۸. کاسه ای زیر نیم کاسه داشتن	حقه بازی کردن
۹. زیر و رو کردن	دگرگون کردن
۱۰. تیره برای کسی خورد نکردن	اهمیت ندادن
۱۱. آتش به پا کردن	شر به پا کردن
۱۲. آب روغن قاطی کردن	عصبانی شدن
۱۳. فک زدن	پرحرفی کردن
۱۴. بی هوا کاری کردن	بی فکر کاری کردن
۱۵. هندوانه زیر بغل کسی گذاشتن	تعریف و تمجید الکی از کسی
۱۶. آتش و لاش بودن	خسته بودن
۱۷. الم شنگه به پا کردن	داد و پیدا کردن
۱۸. آتش برای کسی پختن	برای کسی نقشه‌های شوم کشیدند
۱۹. آب غوره گرفتن	گریه کردن
۲۰. از چشم کسی دیدن	تقصیر کسی بودن
۲۱. چشم کسی روشن شدن	انتظار نداشتن
۲۲. انگشت به دهن ماندن	تعجب کردن
۲۳. با سر دوییدن	با اشتیاق کاری را انجام دادن
۲۴. چشم کسی را دور دیدن	سوء استفاده کردن
۲۵. به ریش کسی خندیدن	کسی را مسخره کردن
۲۶. پشت دست را داغ کردن	کاری را دوباره تکرار نکردن
۲۷. خم به ابرو نیاوردن	ناراحت نشدن

۲۸. دندان رو جگر گذاشتن	صبر کردن
۲۹. حرف را در دهان چرخاندن	فکر کردن قبل از حرف زدن
۳۰. روی سگ کسی را بالا آوردن	کسی را عصبانی کردن
۳۱. شیر تو شیر بودن/شدن	هرج و مرج به راه افتادن
۳۲. کسی را سوسک کردن	کسی را کوچک کردن
۳۳. مگسی شدن	عصبانی شدن
۳۴. یاسین به گوش خر خواندن	کاری بیهوده کردن
۳۵. گرگ باران دیده بودن	شخص باتجربه بودن
۳۶. اشک تمساح ریختن	مظلوم نمایی کردن
۳۷. خروس بی محل بودن	شخص مزاحم بودن
۳۸. دوستی خاله خرسه داشتن	دوستی نامناسب داشتن
۳۹. از دماغ فیل افتادن	خود را برتر از دیگران دانستن
۴۰. آرد خود را آویختن و الک خود را آویختن	به پایان کاری رسیدن
۴۱. گربه رقصانی کردن	از رسیدن به نتیجه جلوگیری کردن
۴۲. زبان کسی مو درآوردن	بیش از حد چیزی را گفتن
۴۳. به شکم خود صابون زدن	در انتظار چیزی بودن
۴۴. دل تو دل کسی نبودن	اضطراب داشتن
۴۵. سیبیل کسی را چرب کردن	رشوه دادن
۴۶. موی خود را در آسیاب سفید نکردن	شخص بی تجربه ای نبودن
۴۷. دل و دماغ نداشتن	حوصله نداشتن
۴۸. کله داشتن	بسیار باهوش بودن
۴۹. مرغ از قفس پریدن	شانسی را از دست دادن
۵۰. فیل هوا کردن	کار خارق العاده ای کردن
۵۱. مثل کبک سر را زیر برف کردن	خود را به بی خبری زدن
۵۲. گاوبندی کردن	از راه غیر قانونی کاری را پیش بردن
۵۳. حرف را در دهان چرخاندن	فکر کردن قبل از حرف زدن
۵۴. حرف کسی حرف نبودن	به حرف کسی اهمیت ندادن
۵۵. فک زدن	پرحرفی کردن
۵۶. چیزی یا کسی حرف نداشتن	بی عیب و ایراد بودن
۵۷. حرف تو حرف آوردن	موضوع را عوض کردن
۵۸. میان حرف کسی دویدن	حرف کسی را قطع کردن
۵۹. چانه کسی گرم شدن	پرحرفی کردن
۶۰. حرف درآوردن	شایعه ساختن
۶۱. پرت و پلا گفتن	حرف بی ربط زدن

اهمیت ندادن	۶۲ حرف کسی خریدار نداشتن
از مواضع خود کوتاه آمدن	۶۳ حرف خود را خوردن
کوتاه آمدن	۶۴ از حرف خود گذشتن
به عهد خود وفا کردن	۶۵ مرد است و حرفش
مشکلی را حل نکردن	۶۶ این حرفها برای فاطی تنبون نمیشه
موضوع های مختلف را به ارتباط دادن	۶۷ حرف حرف آوردن
خراب کاری کردن	۶۸ دسته گل به آب دادن
تمام تلاش خود را کردن	۶۹ به آب و آتش زدن
لو دادن	۷۰ بند را به آب دادن
زندگی نکبت باری داشتن	۷۱. زندگی سگی داشتن
مانع کاری شدن	۷۲. موش دواندن
همه چیز داشتن	۷۳. از شیر مرغ تا جون آدمیزاد
نظر خود را به دیگران تحمیل کردن	۷۴. حرف خود را به کرسی نشاندن
حرف بی ارزش زدن	۷۵. حرف مفت زدن
حرف بی ارزش زدن	۷۶. حرف صدمن یه غاز زدن/گفتن
چیزی را به کسی تحمیل کردن	۷۷. حرف تو دهن کسی گذاشتن
از موضع خود عقب نشینی کردن	۷۸. حرف خود را پس گرفتن
سر کسی در کار خودش بودن	۷۹. کشک خود را ساییدن
اغراق کردن	۸۰. یک کلاغ چهل کلاغ کردن
جدول ۲- افعال اصطلاحی غیر خودآشکار ساز	

۴-۲-آزمون شماره دو

آزمون شماره دو به منظور بررسی تغییر معنای افعال اصطلاحی خودآشکار ساز و غیر خودآشکار ساز در اثر تغییر رفتارهای نحوی افعال مذکور طراحی و اجرا گردید و در آن نشان داده شد که در صورت تغییر رفتارهای نحوی (از جمله درج صفت و قید و فرآیندهای اسم سازی و مجهول سازی)، افعال اصطلاحی خودآشکار ساز در مقایسه با افعال غیر خودآشکار ساز، دچار تغییرات نحوی کمتری می شوند؛ همچنین مشاهده گردید که از میان تغییرات مذکور، فرآیند نحوی درج قید و مجهول سازی بیشترین تأثیر و اسم سازی و درج صفت کمترین تأثیر را در تغییر معنای فعل اصطلاحی برعهده دارند.

۴-۲-۱- شیوه اجرای آزمون

در این آزمون، از ۱۰۰ فعل اصطلاحی آزمون اول که به دو دسته خود آشکار ساز و غیر خود آشکار ساز تقسیم بندی شده بودند استفاده شد. از این میان ۲۰ فعل اصطلاحی، خودآشکار ساز و ۸۰ فعل اصطلاحی، غیر خودآشکار ساز گزارش شده بودند. از میان افعال اصطلاحی غیر خودآشکار ساز و خودآشکار ساز ۱۵ فعل اصطلاحی به طور تصادفی انتخاب شد تا از حیث تعداد با یکدیگر برابر باشند. هر کدام از این افعال اصطلاحی (خودآشکار ساز و غیر خودآشکار ساز) به طور جداگانه در جمله‌ای مورد استفاده قرار گرفتند. در ابتدا به هر فعل اصطلاحی یک قید اضافه شد و از دانشجویان خواسته شد تا جملات را به لحاظ تغییرات معنایی بررسی نمایند و بر این اساس به جملات نمره‌ای بین ۰ تا ۷، دقیقاً مشابه نمره گیبس و نایاک (۱۹۸۹) برای امتیاز بندی تغییرات معنایی، بدهند. جملاتی که بیشترین تغییرات معنایی را داشتند ۷ و آنهایی که کمترین تغییر را داشتند نمره ۰ برای آنها لحاظ شد. در جدول شماره ۳، نتایج حاصل از این بررسی برای افعال خودآشکار ساز و جدول شماره ۴ برای افعال غیر خودآشکار ساز به نمایش گذاشته می-شود.

شماره	فعل اصطلاحی	میانگین نمره شرکت کنندگان
۱	علی حرف خود را به طور غیرمنتظره‌ای پس گرفت.	۱,۲
۲	محمد تمام کارها را با قدرت به دست گرفت.	۰,۵
۳	وقتی وارد سالن تئاتر شدم به هیچ وجه جای سوزن انداختن نبود.	۲,۱
۴	وقتی خواست وارد تجارت فرش شود در واقع ناخواسته لقمه گنده تر از دهن خود برداشت.	۲,۲
۵	وقتی آن غذای خوشمزه را دیدم آب از لب و لوجهام نسبتاً راه افتاد.	۳,۹
۶	بدهی‌های بانکی محمد را بدجور از پای درآورده بود.	۰
۷	محمد با خرید آن ماشین پول خود را به طور غیرمعتولی به چاه ریخت.	۵,۶
۸	آنها با نپذیرفتن این پیشنهاد کم و بیش لگد به بخت خود زدند.	۳,۶
۹	ملیحه با دیدن نمره پایان ترمش دائماً آب غوره می‌گرفت.	۱,۲
۱۰	دیروز با فراموش کردن قراری که با استاد راهنما داشتیم انصافاً دسته گل به آب دادم.	۵,۵
۱۱	با دیدن این صحنه کم و بیش برای او حرف درآوردند.	۳,۸
۱۲	بی مهیا آتشی به پا کرد که همه از او ترسیدند.	۶,۷
۱۳	بچه‌های محل اکیداً برای او تره هم خورد نمی‌کردند.	۴,۴
۱۴	او به خاطر تاخیر در پرواز کم و بیش آب روغن قاطی کرد.	۳,۷
۱۵	داود برای مسئله ازدواج کاملاً فک زد.	۶,۱
جدول ۳- درج قید در افعال اصطلاحی خودآشکار ساز		

شماره	افعال اصطلاحی	میانگین نمره شرکت کنندگان
۱	دوستان رضا با خاطر جمعی زیر بغل او هندوانه می گذاشتند.	۵,۲
۲	رضا با شنیدن خبر قبولی‌اش در دانشگاه بی‌مهابا با سر به خانه دوید.	۵,۹
۳	دوستش به او گفت تا فوراً دندان روی جگر بگذارد.	۶,۵
۴	بهزاد در کارهای برادرش بدچور موش می‌دواند.	۲,۴
۵	دوستش با گفتن کلمه مهم کم و بیش بند را به آب داد.	۴,۶
۶	او طوری حرف می‌زد انگار فیل هوا کرده است.	۲,۳
۷	فرهاد به خاطر خستگی اصلاً دل و دماغ نداشت.	۱,۱
۸	دوستم همیشه قبل از اینکه چیزی بگوید حرفش را کم و بیش در دهان می‌چرخاند.	۵,۴
۹	همه می‌دانستند که جنس سیامک کاملاً خراب است.	۵,۱
۱۰	دوستم کم و بیش یک خروس بی محل است.	۶,۲
۱۱	محمد با بی‌رحمی آشی برای حسن پخت که هیچ وقت از یادش نرود.	۷
۱۲	حسن پشت دستش را به طور وحشتناکی داغ کرد که دیگر درکار کسی دخالت نکند.	۶,۴
۱۳	محمد با فرستادن فرهاد به جلسه او را نایخردانه از سر باز کرد.	۳,۷
۱۴	محمد چانه‌اش برای مهمانی کم کم گرم شد.	۴,۳
۱۵	حسن در ریاضی واقعاً کله داشت.	۲,۱
جدول ۴- درج قید در افعال اصطلاحی غیر خود آشکار ساز		

در مرحله بعد، به اسم حاضر در ساخت فعل اصطلاحی، یک صفت افزوده گردید و مجدداً در خصوص تشابه یا تغییر معنایی جملات، از دانشجویان نظرخواهی شد. در جداول شماره ۵ و ۶ به ترتیب داده‌ها و نتایج به دست آمده از این بخش از آزمون را برای افعال اصطلاحی خود آشکار ساز و غیرخودآشکار ساز نشان داده می‌شود.

شماره	افعال اصطلاحی	میانگین نمره شرکت کنندگان
۱	دوستان رضا زیر بغل او هندوانه شیرینی گذاشتن	۶,۲
۲	رضا با شنیدن خبر قبولی‌اش در دانشگاه با سر بسته به خانه دوید	۵,۹
۳	دوستش به او گفت تا دندان روی جگر داغ بگذارد	۶,۵
۴	بهزاد در کارهای برادرش موش کنیف می‌دواند.	۵,۸
۵	دوستش یا گفتن کلمه مهم پند لاستیکی را به آب داد.	۶,۴
۶	او طوری حرف می‌زد انگار فیل هندی هوا کرده است	۴,۶
۷	فرهاد به خاطر خستگی دل و دماغ گنده نداشت	۶,۷
۸	دوستم همیشه قبل از اینکه چیزی بگوید حرفش را در دهان گشادش می‌چرخاند.	۶,۴
۹	همه می‌دانستند که جنس بدلی سیامک خراب است.	۶,۱
۱۰	دوستم همیشه یک خروس لاری بی محل است.	۵,۹
۱۱	محمد آش خوشمزهای برای حسن پخت که هیچ وقت از یادش نرود.	۴,۹
۱۲	حسن پشت دست کتیش را داغ کرد که دیگر درکار کسی دخالت نکند.	۵,۴
۱۳	محمد با فرستادن فرهاد به جلسه او را از سر کچلش باز کرد	۳,۷
۱۴	محمد چانه شکسته‌اش برای مهمانی گرم شد.	۴,۳
۱۵	حسن در ریاضی واقعاً کله بزرگی داشت.	۳,۳
جدول ۵- درج صفت در افعال اصطلاحی خود آشکار ساز		

شماره	فعل اصطلاحی	میانگین نمره شرکت کنندگان
۱	علی حرف ناچور خود را پس گرفت.	۲,۲
۲	محمد تمام کارها را به دست قوی گرفت.	۵,۷
۳	وقتی وارد سالن تئاتر شدم جای سوزن تیز انداختن نبود.	۵,۴
۴	وقتی خواست وارد تجارت فرش شود در واقع لقمه گنده تر از دهن گشاد خود برداشت.	۵,۹
۵	وقتی آن غذای خوشمزه را دیدم آب شور از لب و لوچه ام راه افتاد.	۵,۹
۶	بدهی های بانکی محمد را از پای گنده در آورد.	۶,۳
۷	محمد با خرید آن ماشین پول مفت خود را به چاه ریخت.	۲,۱
۸	او با رد کردن این پیشنهاد کاری به بخت بیچاره اش لگد زد.	۳,۹
۹	ملیحه با دیدن نمره پایان ترمش آب غوره تلخی گرفت.	۶,۵
۱۰	دیروز با فراموش کردن قراری که با استاد راهنما داشتم دسته گل خوش بویی به آب دادم.	۵,۷
۱۱	با دیدن این صحنه برای او حرف مفت درآوردند.	۲,۸
۱۲	آتش تندی به پا کرد که همه از او می ترسیدند.	۲,۲
۱۳	بچه های محل برای او تره پلاسیده هم خورد نمی کردند.	۳,۴
۱۴	او به خاطر تاخیر در پرواز آب روغن روان قاطی کرد.	۶,۷
۱۵	داود برای مسئله ازدواج کلی فک سفت زد.	۶,۱
جدول ۶- درج صفت در افعال اصطلاحی غیر خودآشکار ساز		

پس از این دو مرحله، صورت مجهول افعال اصطلاحی در جمله مورد استفاده قرار گرفت و از شرکت کنندگان در خصوص تغییر معنایی حاصل از این تغییر رفتار نحوی نظرخواهی به عمل آمد. در جدول شماره ۷ نتایج حاصل از این بخش از آزمون برای افعال اصطلاحی خودآشکار ساز و در جدول شماره ۸ برای افعال غیر خودآشکار ساز به نمایش گذاشته می شود.

شماره	فعل اصطلاحی	میانگین نمره شرکت کنندگان
۱	حرف علی پس گرفته شد.	۵,۶
۲	تمام کارها به دست گرفته شد.	۳,۳
۳	در سالن تئاتر جایی سوزن انداخته نشده بود.	۶,۹
۴	وقتی وارد تجارت فرس کردنش در واقع لقمه گنده تر از دهنش برداشته شد.	۵,۹
۵	با پخت آن غذا آب از لب و لوچه‌اش به راه انداخته شد.	۶,۷
۶	با توطئه محمد از پای درآورده شد.	۴,۳
۷	پولش به چاه ریخته شد.	۳,۲
۸	لگد به بختش زده شد.	۳,۴
۹	با اعلام نمره پایان ترم آب غوره گرفته شد.	۶,۹
۱۰	دیروز با فراموش کردن قراری که با استاد راهنما داشتم دسته گل به آب داده شد.	۶,۷
۱۱	با دیدن این صحنه برای او حرف درآورده شد.	۴,۴
۱۲	آتشی به پاشد که همه ترسیدند.	۲,۲
۱۳	برای او تره هم خورد نمی شد.	۳,۲
۱۴	به خاطر تاخیر در پرواز آب روغن قاطی شد.	۶,۷
۱۵	برای مسئله ازدواج کلی فک زده شد.	۴,۷

جدول ۷- مجهول سازی در افعال اصطلاحی خودآشکار ساز

شماره	افعال اصطلاحی	میانگین نمره شرکت کنندگان
۱	زیر بغل او هندوانه گذاشته شد.	۳,۲
۲	با سر به خانه دوانده شد.	۶,۹
۳	دندان روی جگر گذاشته شد.	۶,۵
۴	در کارهای برادرش موش دوانده شد.	۳,۸
۵	با گفتن کلمه مهم بند به آب داده شد.	۴,۴
۶	با اختراع جاروبرقی ضدآب فیل هوا شد.	۶,۸
۷	دل و دماغی نمانده بود.	۱,۷
۸	قبل از بیان چیزی حرف در دهان چرخانده شد.	۶,۸
۹	همه می دانستند که جنس سیامک را خراب کرده بودند.	۱,۳
۱۰	خروس بی محل کرده بودنش.	۶,۹
۱۱	آشی برای حسن پخته شد که هیچ وقت از یادش نرود.	۱,۹
۱۲	حسن پشت دستش داغ شد که دیگر در کار کسی دخالت نکند.	۴,۴
۱۳	با فرستادن فرهاد به جلسه او از سر باز شد.	۳,۶
۱۴	چانه محمد را برای مهمانی گرم کرده بودند.	۶,۸
۱۵	به حسن در ریاضی کله داده شد.	۶,۹

جدول ۸- مجهول سازی در افعال اصطلاحی غیرخودآشکار ساز

در پایان افعال اصطلاحی در روند اسم‌سازی، به صورت عبارت‌های اسمی اصطلاحی در جمله به کار گرفته شدند و تغییرات معنایی حاصل از تغییر نحوی مذکور از سوی شرکت‌کنندگان مورد واکاوی قرار گرفت. جداول شماره ۹ و ۱۰ به ترتیب بازگوکننده نتایج حاصل از این بخش از مطالعه برای افعال اصطلاحی خودآشکارساز و غیرخودآشکارساز است.

شماره	فعل اصطلاحی	میانگین نمره شرکت‌کنندگان
۱	پس گرفتن حرفش علی را متقاعد نکرد.	۲٫۵
۲	به دست گرفتن کارها توسط محمد کمی اوضاع را بهتر کرد.	۲٫۱
۳	جای سوزن انداختن نبودنش باعث شد که به آنجا نرویم.	۶٫۵
۴	لقمه گنده تر از دهن خود برداشتنش همه را کلافه کرده بود.	۳٫۵
۵	راه افتادن آب از لب و لوجه ام با دیدن آن غذای خوشمزه اجتناب ناپذیر بود.	۵٫۱
۶	از پا در آوردنش با بدهی‌های بانکی امکان نداشت.	۳٫۲
۷	به چاه ریختن پولش با خرید آن ماشین را همه حدس می‌زدند.	۳٫۱
۸	لگد زدن به بختش برای او درس عبرتی نشده است.	۰٫۵
۹	آب غوره گرفتنش برای نمره مرا دیوانه کرده بود.	۰
۱۰	دسته گل به آب دادنم را همه فهمیدند.	۲٫۱
۱۱	با اینکه همه می‌دانستند مقصر است حرف مفت زدنش جالب بود.	۳٫۷
۱۲	با به پا کردن آتشش همه از او ترسیدند.	۶٫۵
۱۳	تره خورد نکردنش برای رئیس حسابتی او را عصبانی کرده بود.	۰٫۵
۱۴	آب روغن قاطی کردنش برای تاخیر در پرواز بود.	۵٫۵
۱۵	فک زدنش برای مسئله ازدواج کلی دردسر ایجاد کرد.	۱٫۵
جدول ۹- اسم سازی در افعال اصطلاحی خودآشکارساز		

شماره	افعال اصطلاحی	میانگین نمره
۱	هندوانه گذاشتن زیر بغل دوستان کار همیشگی رضا بود.	۲,۳
۲	با سردویدنش به سمت خانه بیاتگر این بود که خبر مهمی دارد.	۵,۴
۳	دندان روی جگر گذاشتنش بعد فوت پدر از او مرد قوی ای ساخته بود.	۶,۵
۴	موش دواندن در کارهای برادرش برای او عادت شده بود.	۱,۱
۵	به آب دادن بند توسط دوستش پای او را هم به ماجرا باز کرد.	۶,۷
۶	فیل هواکردنش در جمع مخترعین بزرگ یک شاهکار واقعی بود.	۵,۶
۷	دل و دماغ نداشتن فرهاد بخاطر خستگی بود.	۰
۸	در دهان چرخاندن حرف قبل از اظهار نظر کار سنجیده ای است.	۲,۲
۹	جنس خراب سیامک همه را از او دور کرده بود.	۰,۵
۱۰	خروس بی محل بودنش برای همه دردسر بود.	۶,۶
۱۱	آش پختنش برای حسن هیچ وقت از یادش نمی رود.	۶,۹
۱۲	داغ کردن پشت دستش برای دخالت نکردن در کار دیگران مثمرنم بود.	۶,۸
۱۳	از سر باز کردن محمد کار هرکسی نبود.	۰
۱۴	گرم شدن چانه اش در مهمانی ها همیشگی بود.	۴,۳
۱۵	کله داشتن در ریاضی واقعا کار هرکسی نیست.	۳,۳
جدول ۱۰- اسم سازی در افعال اصطلاحی غیر خودآشکار ساز		

۴-۳-آزمون شماره سه

آزمون شماره سه به منظور بررسی تاثیر تغییر رفتار نحوی درج ضمیر اشاره «آن» به جای هسته اسمی فعل اصطلاحی طراحی و اجرا گردید و مشاهده شد که افعال اصطلاحی خودآشکار و غیر خودآشکار ساز به یک اندازه دچار تغییرات معنایی شدند. بدین معنا که هر دوی این گروه ظرفیت پذیرش ضمیر را ندارند چرا که یا کاملا از منظر معنایی غیرمصطلح می شوند و یا اصلا به خود ضمیر نمی گیرند.

۴-۳-۱- شرکت کنندگان

از شرکت کنندگان آزمون اول و دوم استفاده شد.

۴-۳-۲- شیوه اجرای آزمون

در این آزمون نیز مشابه آزمون شماره دو، از ۱۰۰ اصطلاح آزمون شماره یک که به دو دسته خود آشکار ساز و غیر خود آشکار ساز تقسیم بندی شده بودند استفاده شد. این افعال اصطلاحی هر کدام جداگانه در جمله ای مورد استفاده قرار گرفتند. سپس هسته اسمی این افعال اصطلاحی با ضمیر اشاره ای «آن» جایگزین گردید. در ادامه از دانشجویان خواسته شد تا دو جمله ای را که در یکی از آنها فعل اصطلاحی و در دیگری ضمیر استفاده شده

بود به دقت بخوانند و سپس تصمیم بگیرند تا چه اندازه تغییر نحوی جایگزینی ضمیر بر معنای اصطلاحی فعل تاثیر گذار بوده است. جدول شماره ۱۱ این آزمون را به نمایش می گذارد.

شماره	فعل اصطلاحی
۱	علی حرف خود را پس گرفت ولی رضا آن را پس نگرفت.
۲	محمد تمام کارها را به دست گرفت، اما رضا ترجیح داد تمام کارها را به آن نگیرد.
۳	وقتی وارد سالن تئاتر شدم جای سوزن انداختن نبود، ولی دیروز در سینما جای انداختن آن بود.
۴	وقتی خواست وارد تجارت فرش شود در واقع لقمه گنده تر از دهن خود برداشت ولی جعفر آن را گنده تر از دهن خود برداشت.
۵	وقتی آن غذای خوشمزه را دیدم آب از لب و لوجه ام راه افتاد ولی آن از لب و لوجه رضا راه نیفتاد.
۶	بدهی های بانکی محمد را از پا درآورد اما خواهرش را از آن درنیآورد.
۷	محمد با خرید آن ماشین پول خود را به چاه ریخت ولی رضا با خرید آن خانه آن را به چاه ریخت.
۸	او را رد کردن این پیشنهاد کاری به بختش لگد زد ولی خواهرش با رد ازدواج پسر همسایه به آن لگد نزد.
۹	ملیحه با دیدن نمره پایان ترمش آب غوره گرفت ولی فرناز آن را نگرفت.
۱۰	دیروز با فراموش کردن قراری که با استاد راهنما داشتم دسته گل به آب دادم ولی دوستم آن را به آب نداد.
۱۱	با دیدن این صحنه برای او حرف درآوردند ولی برای رضا آن را درنیآوردند.
۱۲	آنشی به پا کرد که همه از او می ترسیدند ولی حسن آن را به پا نکرد.
۱۳	بچه های محل برای او تره هم خورد نمی کردند ولی برای برادرش آن را خورد می کردند.
۱۴	او به خاطر تاخیر در پرواز آب روغن قاطی کرد ولی خواهرش آن را قاطی نکرد.
۱۵	داود برای مسئله ازدواج کلی فک زد ولی دوستش آن را نزد.
۱۶	دوستان رضا زیر بغل او هندوانه گذاشتن ولی زیر بغل محمد آن را نگذاشتند.
۱۷	رضا با شنیدن خبر قبولی اش در دانشگاه با سر به خانه دوید ولی احسان با آن به خانه ندوید.
۱۸	دوستش به اوگفت تا دندان روی جگر بگذارد ولی او آن را روی جگر نگذاشت.
۱۹	بهزاد در کارهای برادرش موش می دواند ولی حسین در کارهای برادرش آن را نمی دواند.
۲۰	دوستش یا گفتن کلمه مهم بند را به آب داد ولی او با گفتن کلمه مهم آن را به بند نداد.
۲۱	او طوری حرف می زد انگار فیل هواکرده است ولی دوستش انگار آن را هوا نکرده است.
۲۲	فرهاد بخاطر خستگی دل و دماغ نداشت ولی برادرش باوجود خستگی آن را داشت.
۲۳	دوستم همیشه قبل از اینکه چیزی بگوید حرف را در دهانش می چرخاند ولی من آن را در دهانم نمی چرخانم.
۲۴	حسن از فرط خستگی آش و لاش بود ولی برادرش با وجود خستگی آن نبود.
۲۵	رضا با دیدن آن مرد قوی هیکل زرد کرد ولی عباس آن نکرد.
۲۶	محمد آشی برای حسن پخت که هیچ وقت از یادش نرود ولی حسین آن را برای حسن نپخت.
۲۷	حسن پشت دستش را داغ کرد که دیگر درکار کسی دخالت نکند ولی برادرش آن را داغ نکرد و همچنان در امور دیگران مداخله می کند.
۲۸	محمد با فرستادن فرهاد به جلسه او را از سر باز کرد ولی دوستش را از آن باز نکرد.
۲۹	محمد چانه اش برای مهمانی گرم شد ولی آن رضا در مهمانی گرم نشد.

۳۰	حسن در ریاضی واقعا کله داشت ولی محمد در فارسی آن را داشت.
جدول ۱۱. افعال اصطلاحی خودآشکارساز و غیر خودآشکارساز پس از جایگزینی هسته اسمی آنها با ضمیر	

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی بر آن بود تا افعال اصطلاحی زبان فارسی از منظر زبان‌شناسی شناختی در چند مقوله و بر مبنای آراء گیس و نایاک (۱۹۸۹) مورد بررسی قرار گیرد. در این تحقیق تاثیر تغییر رفتار نحوی بر معنای کنایه‌ای افعال اصطلاحی مد نظر بود چنان که آیا تغییر رفتارهای نحوی از قبیل اضافه کردن صفت و قید، مجهول‌سازی و تبدیل افعال اصطلاحی به عبارت‌های اسمی اصطلاحی تغییری در معنای استعاره‌ای آنها به وجود می‌آورد یا خیر. فرض بر این بود که از میان این تغییرات درج صفت و مجهول‌سازی بیشترین تاثیر و درج قید و تبدیل افعال اصطلاحی به عبارت‌های اسمی اصطلاحی کم‌ترین تغییر را در معنای کنایه‌ای افعال اصطلاحی به وجود می‌آورد. سپس در خصوص اینکه آیا می‌توان هسته اسمی افعال اصطلاحی را با ضمیر جایگزین کرد بدون اینکه در معنای استعاره‌ای آن تغییری به وجود آید آزمونی انجام گرفت. فرض ما این بود که در افعال اصطلاحی خود آشکارساز می‌توان به جای هسته اسمی افعال اصطلاحی، ضمیر جایگزین کرد بدون اینکه در معنای اصطلاحی آن خللی ایجاد شود.

در این فرآیند میانگین ۸۶ درصد برای هر فعل اصطلاحی خود آشکار ساز و ۸۳ درصد برای افعال اصطلاحی غیر خودآشکار ساز نشان داد که افعال اصطلاحی دارای طبقه بندی تجزیه معنایی متفاوتی است و اینکه افراد می‌توانند این طبقه‌بندی را برای هر کدام از افعال اصطلاحی به درستی تشخیص دهند. نتایج این آزمون با آزمون گیس و نایاک (۱۹۸۹) و همچنین تیتون و کانین (۱۹۹۹) هم راستا است که نشان دهنده شباهت نحوی افعال اصطلاحی در فارسی و انگلیسی است.

میانگین نمرات برای هر یک از شرکت کنندگان محاسبه شد. میانگین نمره برای فعل اصطلاحی خود آشکارساز بعد از اضافه کردن قید ($M=3.36$) بود که نشان می‌دهد افعال اصطلاحی خودآشکارساز بعد از درج قید چندان دچار تغییرات معنایی نمی‌شوند در همین راستا میانگین نمره دهی برای افعال اصطلاحی غیر خود آشکارساز ($M=4.54$) است که در مقایسه با افعال اصطلاحی خودآشکارساز بیشتر دچار تغییرات معنایی می‌شوند که تاییدی است بر این فرضیه افعال اصطلاحی خودآشکار ساز نسبت به افعال اصطلاحی غیر خودآشکارساز زیاترند.

میانگین نمره برای فعل اصطلاحی خود آشکارساز بعد از مجهول‌سازی ($M=4.79$) بود و همین میانگین برای افعال اصطلاحی غیر خود آشکارساز ($M=4.94$) است و در حالت اسم‌سازی میانگین نمره برای افعال اصطلاحی خودآشکارساز ($M=3.08$) و برای غیر خودآشکارساز ($M=3.88$) بود. نمره‌دهی شرکت کنندگان نشان داد که تغییر رفتار اضافه کردن صفت و مجهول‌سازی بر معنای استعاره‌ای افعال اصطلاحی تاثیر معنی‌دار دارد. میانگین نمره دهی برای این اصطلاحات توسط افراد شرکت کننده در آزمون را می‌توانید در جدول ۱۲ مشاهده کنید.

نوع اصطلاح			
میانگین نمره دهی	خودآشکارساز	غیرخودآشکارساز	تغییر رفتار نحوی
۳,۹۵	۳,۳۶	۴,۵۴	درج قید
۵,۰۹	۴,۷۲	۵,۴۷	درج صفت
۳,۴۸	۳,۰۸	۳,۸۸	اسم سازی
۴,۸۶	۴,۹۴	۴,۷۹	مجهول سازی

جدول ۱۲- میانگین نمره دهی برای هر تغییر رفتار نحوی

به طور خاص، نمره تغییر نحوی درج صفت و مجهول سازی برای اصطلاحات خود آشکارساز پایین تر از این تغییرات نحوی در اصطلاحات غیرخودآشکارساز است. به عبارت دیگر، افعال اصطلاحی خودآشکارساز در حیطه تغییر رفتار نحوی درج صفت و مجهول سازی نسبت به افعال اصطلاحی غیرخودآشکارساز کمتر دچار تغییر معنایی می شوند. این یافته ها از فرضیه تجزیه شدگی اصطلاح حمایت می کند که در آن فرضیات سخنوران یک زبان، در این آزمون فارسی، تأثیر مستقیم بر برداشت های افراد از تطبیق پذیری نحوی اصطلاحات دارد. به طور معمول افعال اصطلاحی خودآشکارساز معانی مجازی خود را در شکل های مختلف نحوی دقیقاً به این خاطر که هر یک از اجزای آن سهمی در معنای مجازی آن دارد حفظ می کنند. افعال اصطلاحی غیرخودآشکارساز که معنای لغوی آنها با معنای کلی استعاره ای آن مجزا می باشد در تغییرات نحوی زایا نیست.

در خصوص نتایج کلی این پژوهش باید یادآور شویم که نتایج آزمون های ۱ و ۲ با نتایج آزمون های گبیس و نایاک (۱۹۸۹) و همچنین تیتون و کانین (۱۹۹۹) از منظر دسته بندی و زایایی افعال اصطلاحی خودآشکارساز همراستا است. نتایج پژوهش حاضر فرضیه بخش پذیری افعال اصطلاحی را تایید می کند. پس باید این نکته را مدنظر قرارداد که زایایی ساختاری افعال اصطلاحی تنها یک موضوع نحوی ساده نیست بلکه همانطور که در آزمون ۲ ملاحظه کردید در این میان باید به مسئله معناشناسی افعال اصطلاحی از منظر خودآشکارسازی یا غیر خودآشکارسازی نیز توجه نمود. اعتقاد سخنوران یک زبان فارسی در این پژوهش، در مورد بخش پذیری یک عبارت اصطلاحی بر درک افراد در مورد زایا بودن یا عدم زایا بودن افعال اصطلاحی تأثیر مستقیم دارد. نتایج آزمون سوم همچنین نشان می دهد که برخلاف افعال اصطلاحی در انگلیسی، افعال اصطلاحی در فارسی از قاعده جایگزینی ضمیر پیروی نمی کند که این امر می تواند نقضی بر قاعده UG باشد چرا که نشان دهنده تفاوت فاحش میان نحو فارسی و انگلیسی است.

منابع

- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۷۲). *دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آن*. مشهد: انتشارات آستان قدس.
طباطبایی، سید علاءالدین (۱۳۸۴). «فعل مرکب در زبان فارسی». *نامه فرهنگستان*. ص. ۲۶-۳۴.
طیب زاده، امید (۱۳۷۳). *طبقه بندی و ضبط افعال اصطلاحی فارسی*. نشر دانش. ص. ۳۱-۳۵.
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۶). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: نشر نو.
نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: نشر نیلوفر.
- Billkova, I (2000). *Czech and English Idioms of Body Parts: A View from Cognitive Semantics*, University of Glasgow, Dissertation.
- Cacciari, C. and S. Glucksberg (1991). "Understanding Idiomatic Expressions: The Contribution of Word Meanings", In: G.B. Simpson (ED), *Understanding Word and Sentence* (pp. 251-273). Amsterdam: Elsevier, North-Holand.
- Cacciari, C. and P. Tabbossi (1993). *Idioms*, Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Chomsky, N. (1985). *Aspects of the Theory of Syntax*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Chomsky, N. (1980). *Rules and Representations*. New York: Columbia University Press.
- Clark, H. and E.V. Clark (1977). *Psychology and Language: An Introduction to Psycholinguistics*, New York: Harcourt Brace.
- Filipec, J. and F. Cermak (1985). *Ceska Lexikologie*, Praha: Academia.
- Fraser, B. (1970). Idioms within a Transformational Grammar. *Foundations of Language*, 6, 22-42.
- Gibbs, R. W. and P.N. Nayak (1989). "Psycholinguistic Studies on the Syntactic Behavior of Idioms", *Cognitive Psychology*, 21: 100-138.
- Gibbs, R. W; Nayak, N. P and [J.]C Cutting (1989). "How to kick the Bucket and not Decompose: Analyzability and Idiom Processing", *Memory and Language*, 28: 576-593.
- Gibbs, R. W; Nayak, N. P Bolton, J. L and M.E. Keppel (1989). "Speakers' Assumptions about the Lexical Flexibility of Idioms", *Memory and Cognition*, 17: 58-68.
- Hamblin, J. L and R.W. Gibbs (1999). "Why You Can't Kick the Bucket as You Slowly Die: Verbs in Idiom Comprehension", *Journal of Psycholinguistic Research*, 28: 25-39.
- Heringer, J. (1976). Idioms and Lexicalization in English. In M. Shibtani (Ed.), *Syntax and Semantics: The grammar of Causative Constructions* (Vol. 6, pp. 205-216). New York: Academic Press.

- Ifill, T (2002). "Seeking the Nature of Idioms: A Study in Idiomatic Structure", Haverford College.
- Katz, J. (1973). "Compositionality, Idiomaticity, and Lexical Substitution". In S. Anderson & P. Kiparsky (Eds.), *A Festschrift for Morris Halle* (pp. 357-376). New York: Holt, Rinehart, & Winston.
- Katz, J. and P. Postal(1963). "Semantic Interpretation of Idioms and Sentences Containing Them". MIT Research Laboratory of Electronics, Quarterly *Progress Report*, No. 70, 275-282.
- Kovecses, Z (2002). "Metaphor, Metonymy, and Idioms", In: *Metaphor: A Practical Introduction*, New York: Oxford University Press.
- Kovecses, Z and P. Szabo(1996). "Idioms: A view from Cognitive Semantics", *Applied Linguistics*, 17: 326-55.
- Laval, V (2003). "Idiom Comprehension and Metapragmatic Knowledge in French Children", *Journal of Pragmatics*, 35: 723-739.
- Libben, M. R and D.A. Titone, D. A (2008). "The Multidetermined Nature of Idiom Processing", *Memory and Cognition*, 36(6): 1103-1121.
- Maher, Zachary (2013). *Opening a Can of Worms: Idiom Flexibility, Decomposability, and the Mental Lexicon*. Unpublished. M.A thesis.
- Moon, R (1998). *Fixed Expressions and Idioms in English: A corpus-based approach*, Oxford: Clarendon.
- Nunberg, G (1978). "The Pragmatics of Reference", Bloomington, IN: *Indiana University Linguistics*.
- Nunberg, G; Sag, I. A and T. Wasow(1994). "Idioms", *Language*, 70:491-534. Ortony, A (1975), "Why Metaphors are Necessary and not just Nice", *Educational Theory*, 25: 45-53.
- Titone, D and C. Connine(1999). "On the Compositional and Noncompositional Nature of Idiomatic expressions", *Journal of Pragmatics*, 31: 1656-74.
- Vokacova, J (2005). "A Comparative View of English, Czech, French and German Idioms", *Theory and Practice in English Studies 3: Proceedings from the Eighth Conference of British, American and Canadian Studies*.